

شعر بخون
نقاشی کن

۵

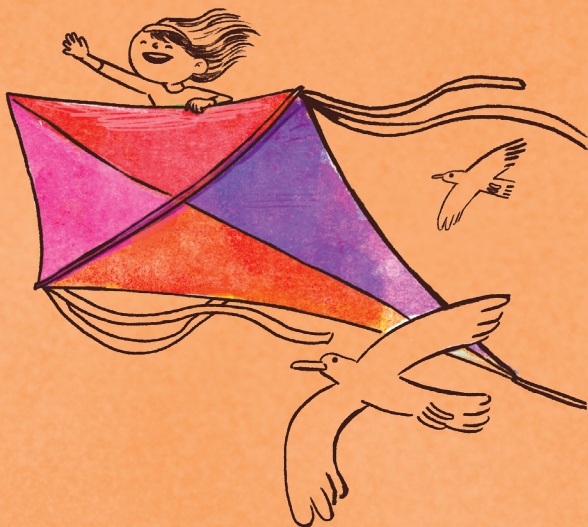
نقاشی شعر

خط کشیدم نقطه شد



ناصر کشاورز

تصویرگر: مهناز سلیمان نژاد



سرشناسه: کشاورز، ناصر، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: نقاشی شعر، خط کشیدم نقطه شد/ شاعر ناصر کشاورز؛

تصویرگر مهناز سلیمان نژاد.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۴ص: مصور(بخشی رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۶۶۲-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر کودکان

Children's poetry

نقاشی و نقاشی‌های کودکان

Children's drawings

رنگ‌آمیزی برای کودکان

Coloring for children

شناسه افزوده: سلیمان نژاد، مهناز، ۱۳۶۵ -، تصویرگر

رده‌بندی دیویی: ۸۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۶۶۸۶۱۳

۵

نقاشی شعر

خط کشیدم نقطه شد

هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

■ استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

شاعر: ناصر کشاورز

تصویرگر: مهناز سلیمان نژاد

طراح گرافیک جلد و متن: شیما هاشمی

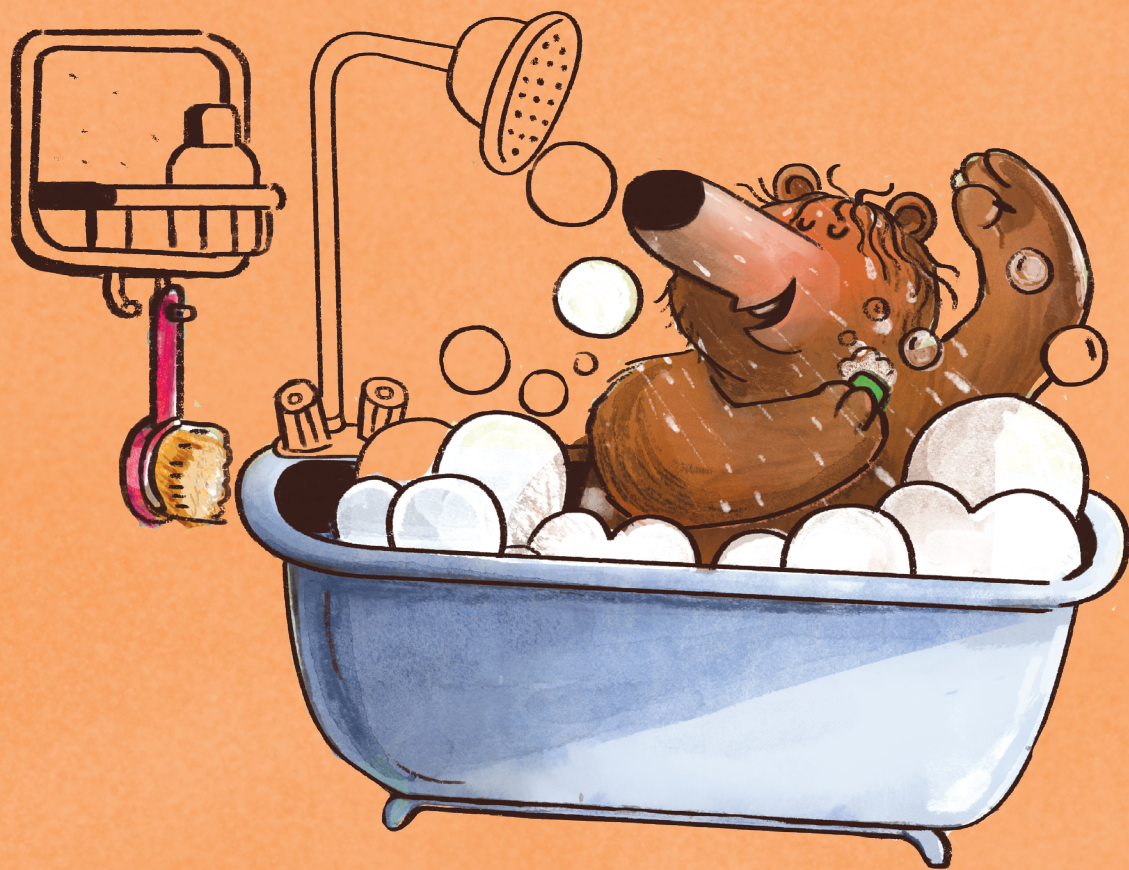
ناظر چاپ: سینا برازوان


نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

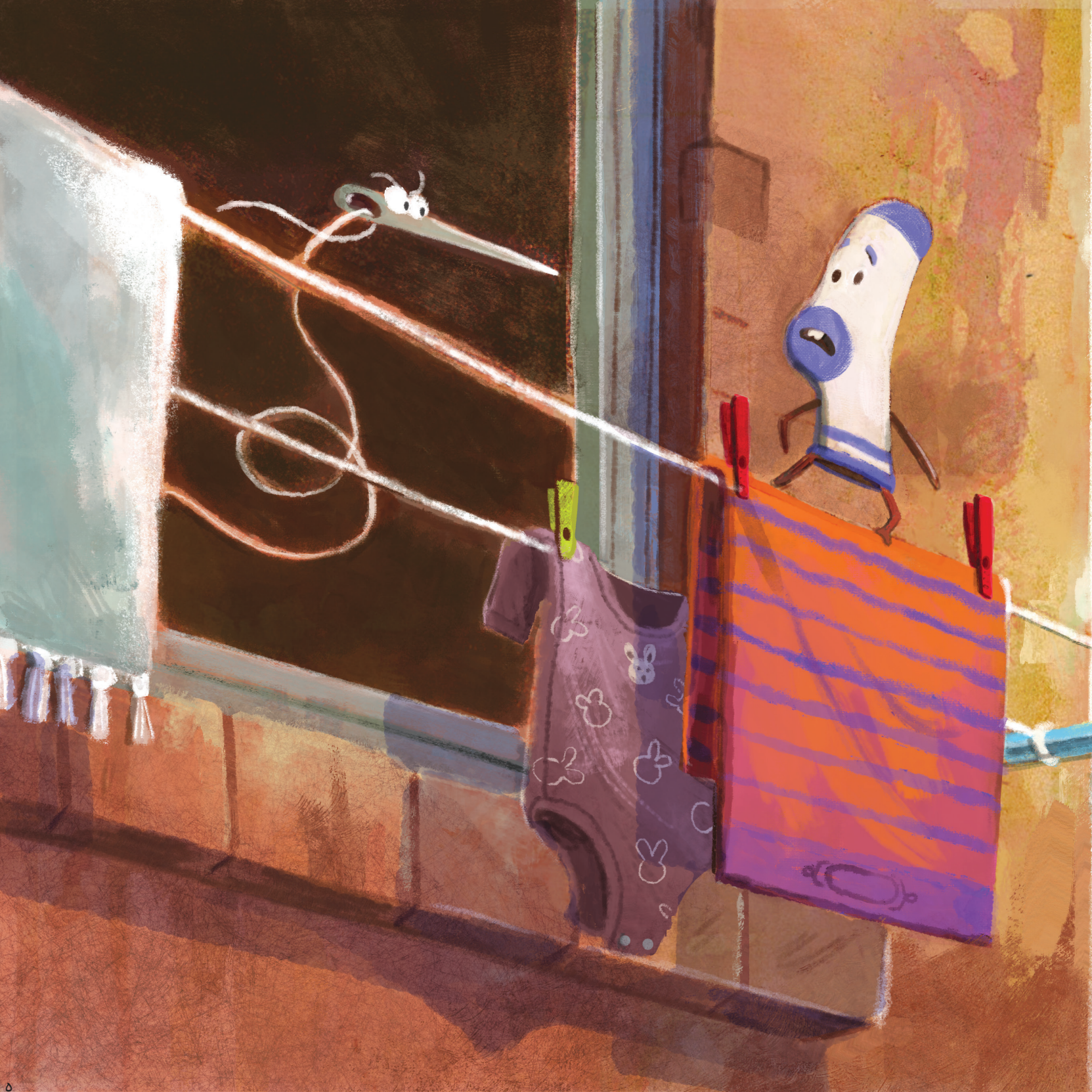
قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان


شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۶۶۲-۰






خط کشیدم نخ شد و رفت تو سوزن
رفتند با هم جورابمو بدوزن
جوراب تا سوزنو دید
جیغی کشید و ترسید
قل خورد و از زیر تخت
پرید روی بند رخت
کلاغه اومد برش داشت
فکری توی سرش داشت
جورابمو پوشید و گفت:
قار و قار
پرید و رفت سر کار





خط کشیدم یه بچه صابون شد
رفت تو حموم کفش فراوون شد
نشست با آب، بازی کرد
با فوت، حباب سازی کرد
خرسه اومد حموم کرد
صابونو زود تموم کرد



A painting of a window with a view of a colorful landscape and a dark interior. The window is on the left, showing a bright, colorful scene with a large yellow sun or moon in the sky, green hills, and a body of water. The interior is dark and textured, with a dark vertical shape in the center. The text is written in white Persian script on the right side of the page.

خط کشیدم یه خطکش چوبی شد
خیلی چیز خوبی شد
با خطکشم یه بادبادک کشیدم
سوار شدم به آسمون پریدم
بادبادکم دور شد
نخس کج و کوله و ناجور شد
می ترسیدم بیفتم
هیچی ولی نگفتم
خطکشه تا بادبادک منو دید
اومد بالا براش نخ صاف کشید






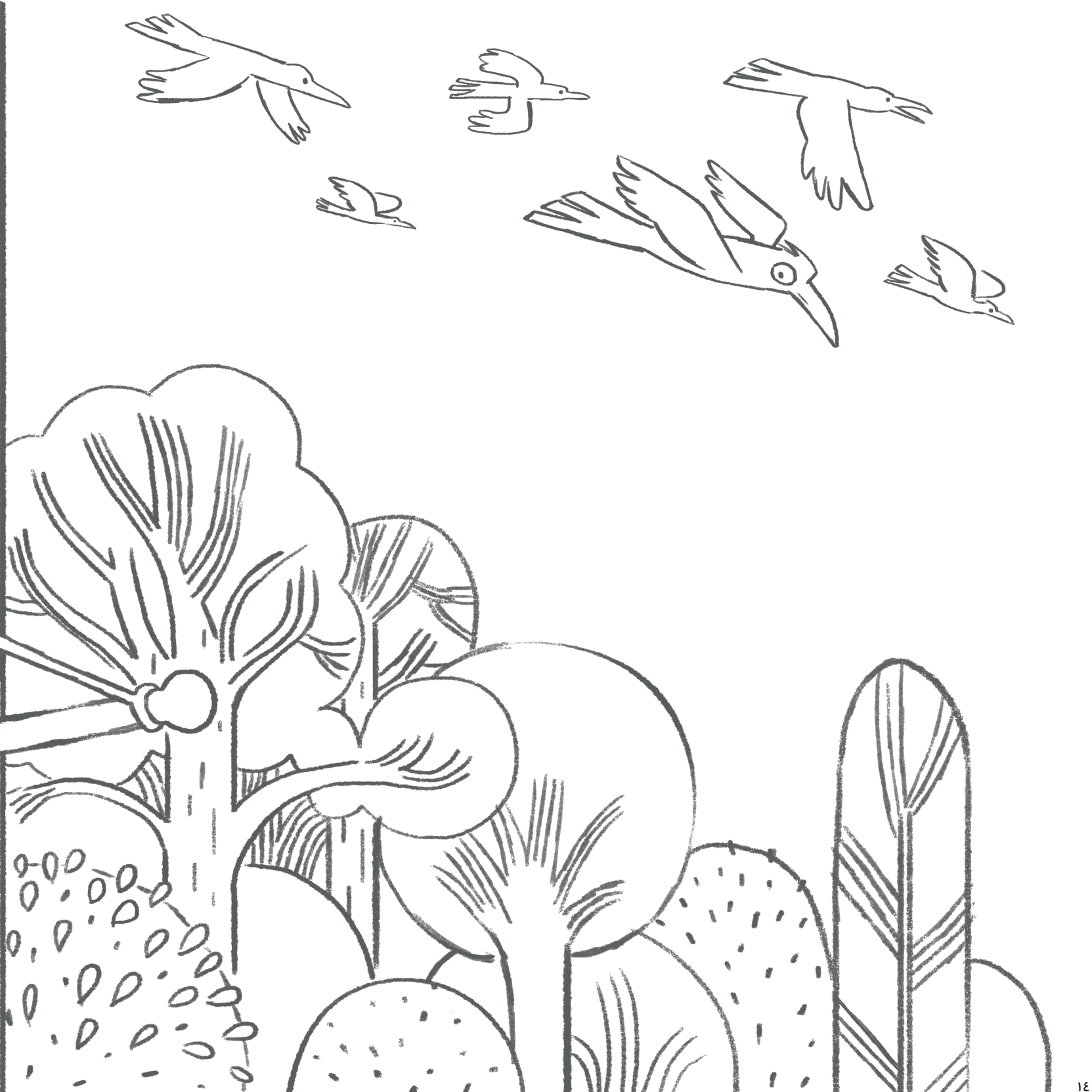
خط کشیدم کج شد و خندید به من
خوشم نیومد اصلاً
زود کشیدم یه پاک کن
گفتم تو اینو پاک کن!
پاک کن می خواست خط منو پاک کنه
خطه ولی می ترسید از پاک کنه
خطه هوار هوار کرد
نقطه شد و فرار کرد

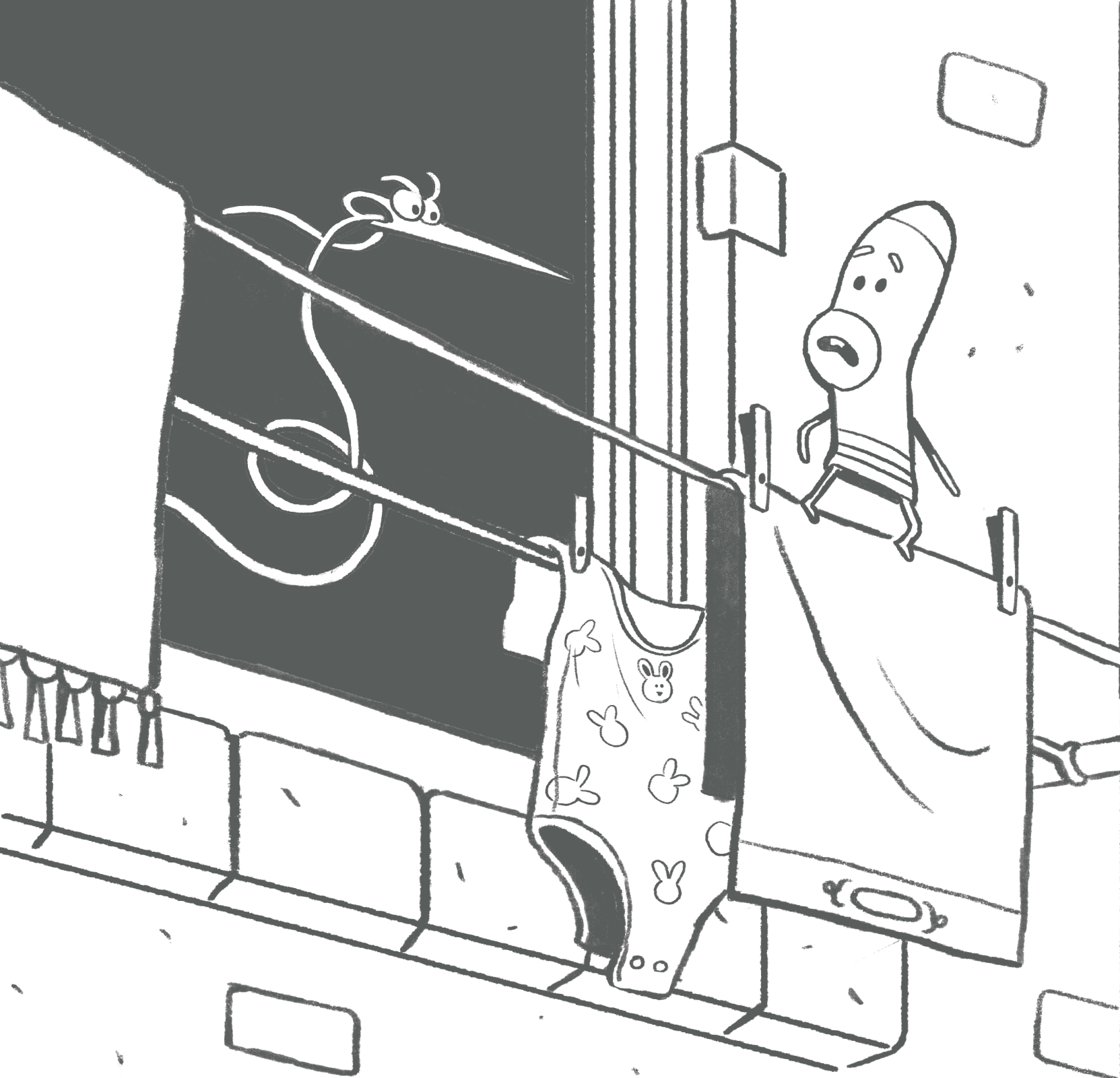


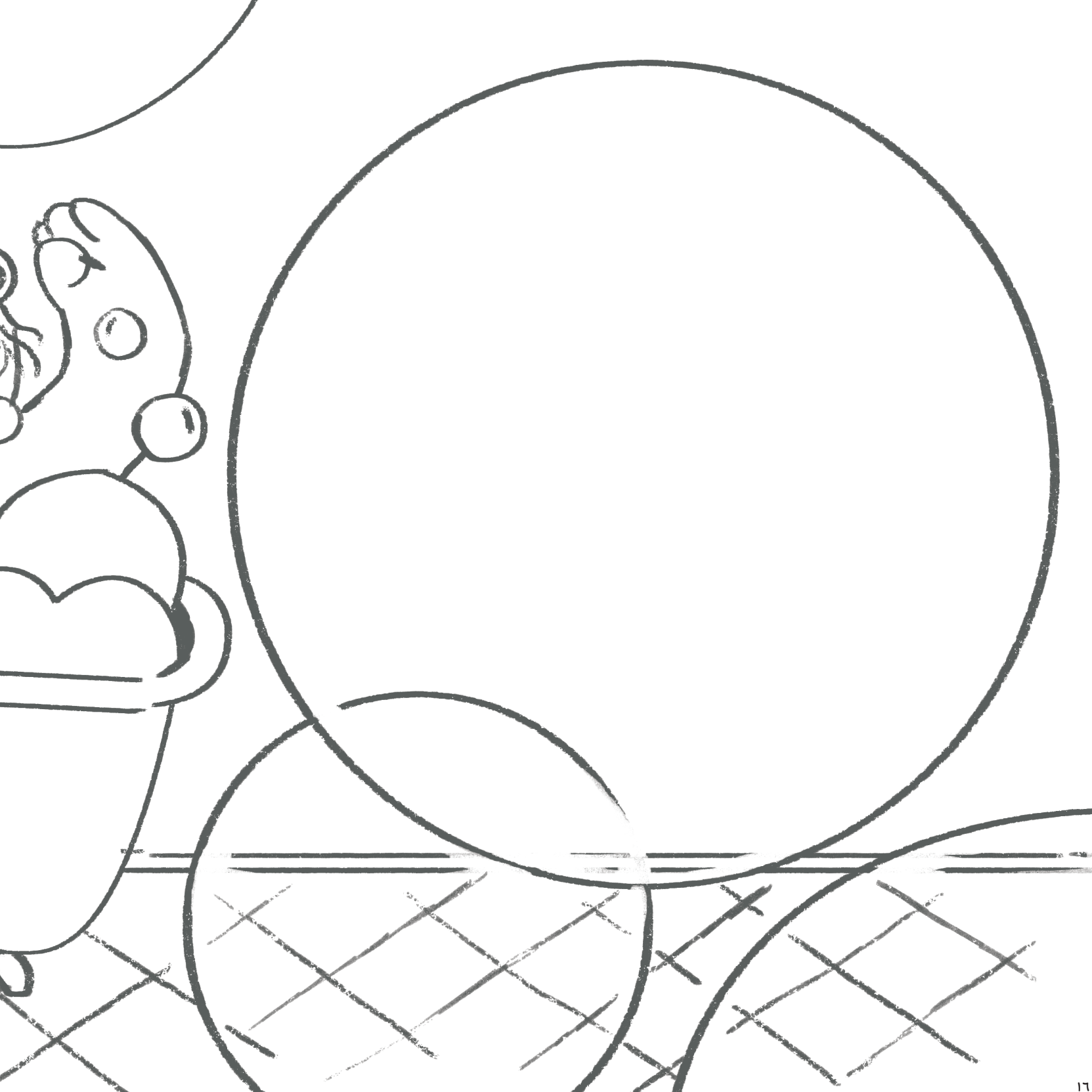


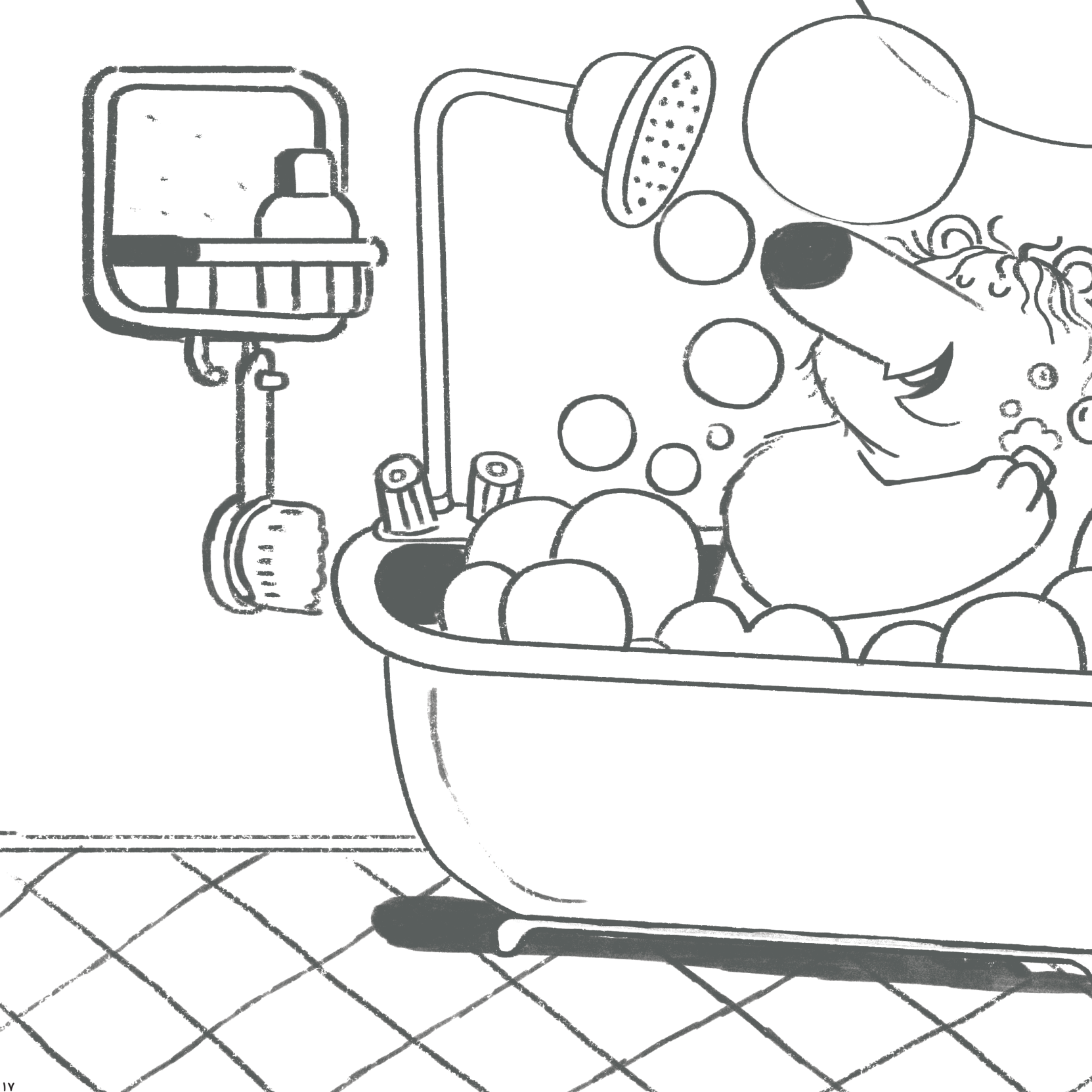


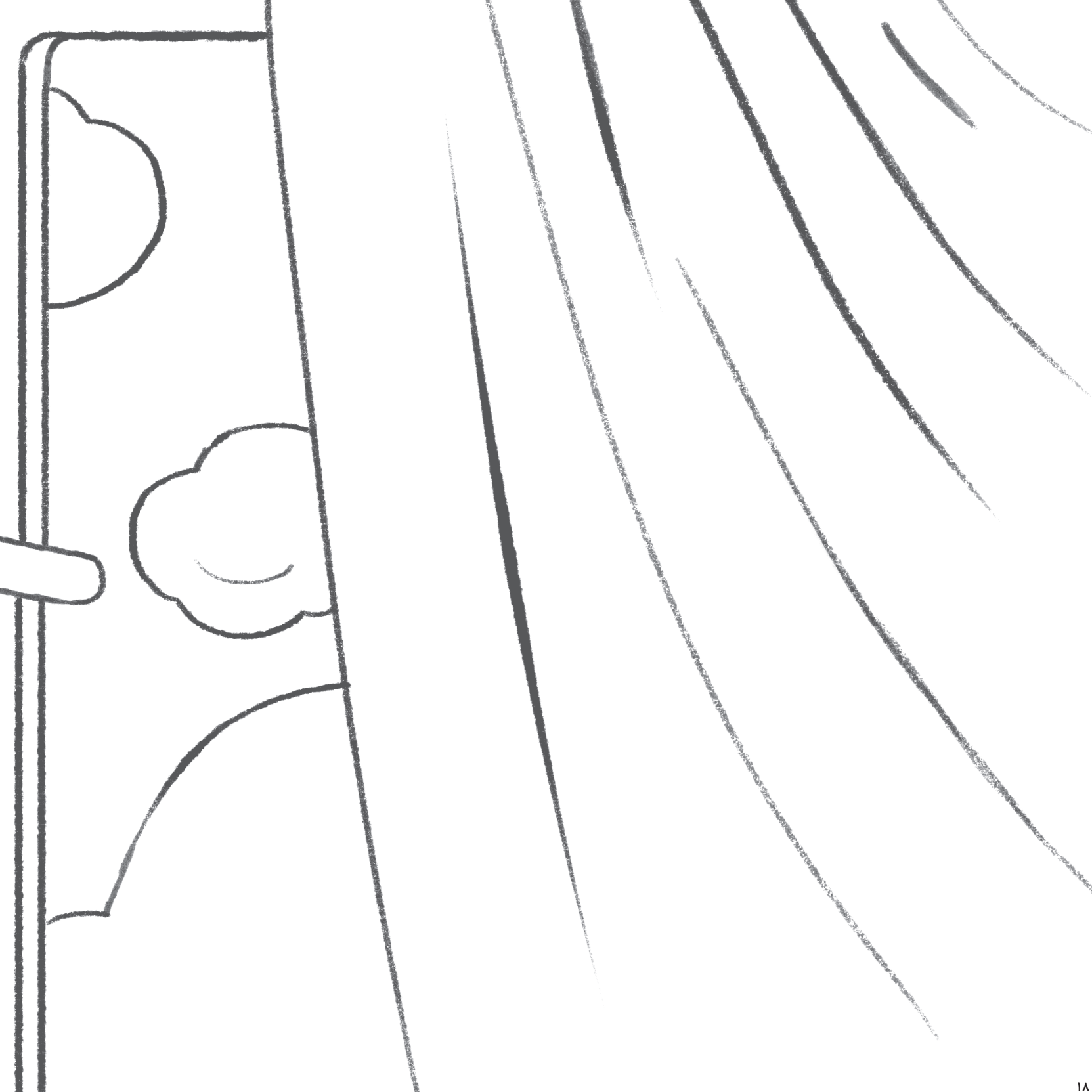
خط کشیدم یه توپ پَرپَری شد
پراش از این‌وَری شد
دیدم پراشو بسته
روی درخت پارکمون نشسته
حرف نمی‌زد ساکت بود
قهر با دو تا راکت بود
باد اومد و هل داد و توپه افتاد
اونا رو با همدیگه آشتی‌شون داد





















مجموعه کتاب‌های

نقاشی شعر

